

۲۵ پنج‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۰۰۰ادی القعدة ۱۴۴۶

۸می ۲۰۲۵

ادامه از صفحه اول

متن کامل پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين وفضل الصلاة والسلام على سيدنا محمد المصطفى وآله الطاهرين سيما بقیة الله فی العالمین.
برآمدن حوزه مبارک قم در طلیعه قرن چهاردهم هجری شمسی، پدیده‌ای بی نظیر بود که در میانهٔ حوادثی بزرگ و سهمگین رخ داد؛ حوادثی که فضای منطقه غرب آسیا را تیره و تار و زندگی ملت‌های آن را دستخوش اشفتگی و تباهی کرده بود.

منشأ و علت این مرارت گسترده دویربا، دخالت‌های دول استعماری و فاتحان جنگ جهانی اول بود که با هدف تصرف و تسلط بر این جغرافیای حساس و سرشار از منابع زیرزمینی از همه ابزارها استفاده کردند و با نیروی نظامی، با طراحی‌های سیاسی، با رشوه و استخدام خیانتکاران داخلی، با ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی، و با هر وسیله ممکن دیگر، توانستند هدف‌های خود را تحقق بخشند.

در عراق، یک حکومت انگلیسی و سپس یک دولت پادشاهی دست‌نشانده بر سر کار آوردند؛ در منطقه شامات، ازسوی انگلیس از سوسی قزاقسه، تصرفات استعماری خود را با ایجاد نظام طائفی در بخشی و حکومت خاندان دست‌نشانده انگلیس در بخشی دیگر، و ایجاد اختناق و فشار بر مردم به خصوص مسلمانان و علمای دینی در سراسر آن گسترند؛ در ایران، یک قزاق بی‌برم طماع و بی‌شخصیت را به تدریج برکشیده و به صدارت و سپس پادشاهی رساندند؛ در فلسطین، کوچ تدریجی عوامل صهیونی و تسلیح آن‌ها را آغاز و با حرکتی آرام، زمینه‌ارایی ایجاد غده سرطانی در قلب دنیای اسلام آماده کردند. هر جا، چه در عراق و چه در شام و فلسطین و چه در ایران، مقاومتی در برابر نقشه‌های کام‌به‌کام آن‌ها وجود داشت، سرکوب کردند، و در برخی شهرها همچون نجف کار را به دستگیری دسته جمعی علما و حتی به تبعید اهانت‌آمیز مراجع بزرگی همچون میرزای تائیدی و سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ مهدی خامنه‌ی‌سازندند. و برای دستگیری مردان مجاهد، تفحص خانه‌به‌خانه راه‌انداختند. ملت‌ها دست‌هسته و سرگشته و افقها تاریک و نومیدکننده شدند. در ایران، مجاهدان گیلان و تبریز و مشهد را به خاک و خون کشیدند و مابهاران قراردادهای خائنانه را بر آسامور قرار گرفتند.

در میانه چنین حوادث تلخ و چنین شب بی‌فروغی بود که ستاره قم طلوع کرد. دست قدرت الهی، فقهی بزرگ و پرهیزکار و مجرب را برانگیخت تا با هجرت به قم، حوزه مدرّس و تعلیل‌شده را دوباره جان بخشد و نهالی تازه و مبارک در سنگلاخ آن زمانه ناسازگار، در مجاورت حرم ذّخت مظهر محترّت موسی بن جعفر (علیهم السلام) و در آن زمین مستعد بنشاند.

قم در هنگام ورود آیت‌الله حائری از علمای بزرگ خالی نبود؛ بزرگانی چون آیت‌الله میرزا محمدتقی رباب و شیخ ابوالقاسم کبیر و تعدادی دیگر از علمای برجسته‌ی‌زیستند. برای هر بزرگ حوزۀ علمیه یعنی پرورشگاه علم و علم و دین و دین با همه ظرافت‌ها و تدبیرهایش فقط از شخصیت مؤثّری چون آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (اعلی الله مقامه فی الجحان) بی‌پسائی.

تجربه هشت‌ده ساله تشکیل و اداره حوزه علمیهٔ ژرفونق در اراک، و سال‌هایشان از آن، معاشرت نزدیک با هر بزرگ‌تر شیعه، میرزای شیرازی در سامرا و ملا طایفه خاندان‌راشان در تشکیل و اداره حوزه علمیهٔ آن شهر، به او رهنمایی می‌دادند؛ و درایت و شجاعت و انگیزه و امید در او، وی را در این راه دشوار به پیش بردند.

حوزه را در سال‌های آغازین، با یابادری مخلصانه و متوکلانه او از زیر تیغ آخته رضائاتی که برای مردم نشانه‌ها و پایه‌های دین، به صغیر و کبیر رحم نمی‌کرد، به سلامت جُست؛ ستمگر خبیث ناپود شد، و حوزه‌ای که سال‌ها زیر فشار حداثت‌گرا ی بود، ماند و رشد کرد؛ و از او، خورشیدی در سمن حضرت حاکم‌الحق سر برآورد. حوزه علمیه‌ای که یک روز پلاشی بر خفا طایق آن خود از دسترس خارج و زوایایی در بیرون در شهر پنهان می‌بردند و به درس پس می‌رفتند و شبانه و شبانه به حرم‌های تاریک در مدرسه‌ها بازمی‌گشتند، در چهار دههٔ سه از آن، کنونی شد که شعله‌های مبارزه با دودمان خبیث رضائیان را به سراسر ایران می‌فرستاد و دل‌های آفریده و نامید را برمی افروخت و جوانان مغزوری را به میانه میدان می‌کشاند.

همین حوزه بود که چندی پس از درگذشت مؤسّسش، با قدوم مرجع عظیم الشان، آیت‌الله بروجردی، قلم علمی و تحقیقی و تبلیغی نشین در سراسر جهان شد. سرانجام همین حوزه بود که در کمر تراز دهه، قدرت معنوی و وجه مردمی خود را به آنجا رساند که نتوانست رژیم خائن و فاسد و فاسق پادشاهی را با دست‌مزد سراسر ریشه‌کن کند و پس از قرن‌ها، اسلام را در جایگاه حاکمیت مبدی کشور بزرگ و با فرهنگ و دای‌ای همه‌گونه استعدا د بنشاند.

متخّرچ همین حوزه پُرپرکت بود که ایران را الگوی اسلام‌خواهی در جهان اسلام، بلکه پیشرو دین‌گرایی در سراسر جهان ساخت؛ با خطب پیامبرانه او با خون بر شمشیر پیروز شد؛ با تدبیر او جمهوری اسلامی متولّد شد؛ با شجاعت و توکل او ملت ایران در برابر تهدیدهای سینه‌سیر کرد و بر بسیاری فاتح آمد؛ و امروز در پس‌های ماموریت‌آ و کشور در بسیاری از ابعاد زندگی، مانع‌ها را درمی‌نوردد و پیش می‌رود.

رحمت و رضوان بی‌پسوده خدا بر نبیان گذار این حوزه پُرپرکت و با عظمت و این شجره طیّبه ثمرم‌آ انسان والا و دانا و مبارک، عالم دین و آراسته به آرمش یقین، حضرت آیت‌الله‌العلّمی حاج شیخ عبدالکریم حائری.

آنکوز لازم از دین دربارهٔ چند موضوع که گمان می‌رود به کار امروز فردای حوزه علمیه خواهد آمد، سخنانی گفته شود، به امید آن که حوزهٔ مقدّس کنونی را در راه رسیدن به حوزه‌ای «پیشرو و سرآمد» کمک کند.

نخستین موضوع، عنوان «حوزه علمیه» و محتوای عمیق آن است.

ادبیات تاریخ را به میانه، کوته و نارسا است. حوزه برخلاف آنچه این ادبیات نشان می‌دهد، صرفاً قلم مؤسسه تدریس و تدرّس نیست، بلکه مجموعه‌ای از علم، و تربیت، و کارکردهای اجتماعی و سیاسی است. ایجاد گوناگون این واژه تیرمنا را عمدتاً می‌توان این‌گونه فهرست کرد:

۱- یک مرکز علمی یا تخصص‌های معین؛
۲- مرکز تربیت نیروی مهذب و کارآمد برای هدایت دینی و اخلاقی جامعه؛
۳- خطّ مقدّم جبهه تقابل با تهدیدهای دشمنان در عرصه‌های گوناگون؛

۴- مرکز تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی؛
۵- مرکز تربیت نیروی مهذب و کارآمد

حوزه نهادی بی‌رونگار است. خروجی حوزه در همه سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان‌ها است. حوزه موظف به «بلاغ مبیین» است. دامنه این بلاغ، گستره‌ای تعلیم‌آ را می‌عارف و الای توحیدی و تا وظایف شخصی شرعی، و از تبیین نظام اسلامی و شاکله و وظایف آن تا سبک زندگی و محیط زیست و حمایت از طبیعت و از حیوان، و

بسی عرصه‌ها و زوایای دیگر حیات بشری.

حوزه‌های علمیه از دیرباز به این وظیفه سنگین پرداخته و کسان بسیاری از متخّرچان آن‌ها در سطوح مختلف علمی به شیوه‌های گوناگون تبلیغ دین روی آورده و عمری در آن گذرانده‌اند. این انقلاب، نهادهایی برای نظم‌بخشیدن و احیای افراد و دان‌به محتوای این حرکت‌های تبلیغی در حوزه پدیدآمد. خدمات بارزشان آنان و دیگر متخّرچان (۵) امر تبلیغ دین نباید نادیده گرفته شود.

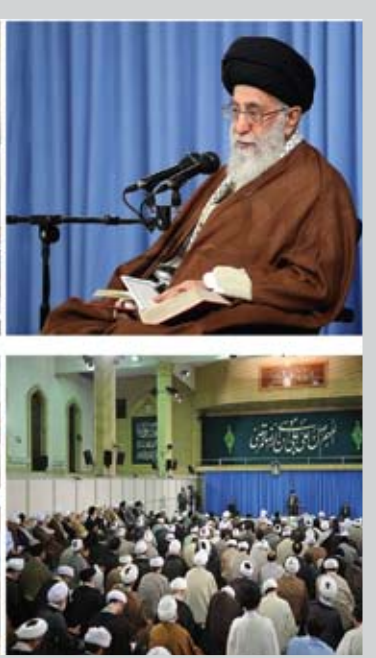
آنچه مهم‌است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده‌های تبلیغی با واقعیت‌های فکری و فرهنگی در میان مردم به‌ویژه جوانان است. در این بخش حوزه دچار مشکل است. این صدها مقاله و مجله و گفتارهای مجلسی و تلویزیونی و امثال آن، در برابر سبیل القاتات مغالطه‌آمیز نمی‌توانند وظیفه بلاغ مبیین ارجحان که نیاز و نیازمندیست، به انجام رساند.

جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهدید» و رساندن پیامی که به‌رور پُرکرندند، خلأ برآورنده هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاهی باید متصدی این کار باشد و در خدمت قدرت افقاع، آشنایی با شیوه گفت‌وگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای و مجاری، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه پیاموز و با تمرین و ممارست، در دوره‌ای محدود، او را آماده ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه‌ترین و شایع‌ترین القاتات و با تفکر و اخلاقی را گردآوری و بهترین و رساترین و قوی‌ترین پاسخ را در قالب

مرکز تولید قدرت ملی

ادامه از صفحه اول

این همه سنت‌ه که متمم پدیده قدرت ملی بود فرش حضور دار در منطقه طوق پهن کرد که در یک مصاف افتخار آمیز جلوی پیش‌روی سلطه آمریکا و پیرونیسم جهانی در غرب آسیا حتی در پوشش تکفیری‌ها و داعش را بگیرد.



پیام رهبر معظم انقلاب به همایش بین المللی یک صدمین سال گشت باز تأسیس حوزه علمیه قم

منشور جامع حوزه

مخصوصاً در سده اخیر، انتظاراتی بیش از این را در زمینه پیشرفت علمی خود باید مورد توجه قرار داد. در خصوص علم فقه این نکات درخور ملاحظه است:
اولاً، فقه، یا سبغ دین به نیازهای عملی فرد و جامعه است. با علّانیت تحول یافتن سبغ‌های با سبغونی پدیدامرونیبازگشتندماری‌پشتوانه فکری و علمی استوار و در عین حال قابل فهم و هضم باشد.
دیگر اینکه پدیده‌های پیچیده و پُر تعداد در زندگی امروز مردم، سؤال‌های بی‌سابقه‌ای را پیش می‌آورد که فقه معاصر باید پاسخ آن‌ها را آماده داشته باشد.

چگونگی تدوین یک‌ه‌کار و ارتباطش با نظام سیاسی اسلام، سؤال اصلی، چگونگی نگاه کلان‌شارع را به ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر و پایه‌های اصولی آن است؛ از نگاه به انسان و جایگاه انسانی و هدف‌های زندگی او، ناگاه به همه ابعاد و معارف دینی در همه زمینه‌ها، و ناگیا آشنایی مناسب با یافته‌های امروز بشر در عرصه علوم انسانی و دانش‌های مرتبط با زندگی انسان است.

در هر مسئله باید نشان دهنده بخشی از این نگاه کلان باشد. الزام مهم برای دست یافتن به این خصوصیات، اولاً آشنایی قبیله با سبغ ابعاد و معارف دینی در همه زمینه‌ها، و ناگیا آشنایی مناسب با یافته‌های امروز بشر در عرصه علوم انسانی و دانش‌های مرتبط با زندگی انسان است.

پدیده‌ی فقه در دیرینه‌ها نباشته‌علم در حوزه این ظرفیت دارد که طلیه به‌خوبی از توانایی‌های علمی‌برساند، مشروط بر اینکه برخی نکته‌ها در شیوه کار کنونی با چشم باز دیده و یادست تولااج شود. یکی از این نکته‌ها، طولانی بودن دوره تحصیل است. دوره‌متن خوانی طلیه به‌خوبی سؤالی برپا می‌گردد؛ طلیه‌آن‌گزار است کتاب‌فقور الی و مقدّماتی برای رسیدن به حکم شرع را دارد؛ با بعضی موضوعات در عین مربوط به هنگام ورود او به مرحله تحقیق اجتهدای این سواد آن به او پیش از این مرحله، نه‌ا تشریح، طولانی کردن زمان متن‌خوانی است. کتاب درسی باید حاوی مطلب و زبان مناسب طلیه برای دوران محدود پیش از ورود به مرحله تحقیق باشد. تلاش موفق با افزودن بزرگانی همچون نوزاد خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج سید صدالدین صدر برای جایگزین کردن

کتاب‌هایی چون قوانین و رسائل و فصول، با کفایه و درالقواند خلاصه‌الفصول، با نگاه به همین ضرورت مهم بوده است. با اینکه آن‌ها در زمان‌های زندگی می‌کردند که طلیه‌با نبود و ارت‌دخنی و تکالیف عملی مانند امروز رویه نوبد.
کلامی دیگر، مسئله اولویت‌های فقهی است. امروز با تشکیل نظام اسلامی و مطرح شدن حکمرانی به شیوه اسلام، موضوعات مهمی برای حوزه اولویت یافته که در گذشته مطرح نبوده است؛ مسئله‌هایی از قبیل اولویت دولت با مردم‌ش و با دولت‌ها و ملت‌های دیگر، موضوع متن‌خوانی است. کتاب درسی باید حاوی مطلب و زبان مناسب طلیه برای دوران محدود پیش از ورود به مرحله تحقیق باشد. تلاش موفق با افزودن بزرگانی همچون نوزاد خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج سید صدالدین صدر برای جایگزین کردن

کتاب‌هایی چون قوانین و رسائل و فصول، با کفایه و درالقواند خلاصه‌الفصول، با نگاه به همین ضرورت مهم بوده است. با اینکه آن‌ها در زمان‌های زندگی می‌کردند که طلیه‌با نبود و ارت‌دخنی و تکالیف عملی مانند امروز رویه نوبد.
کلامی دیگر، مسئله اولویت‌های فقهی است. امروز با تشکیل نظام اسلامی و مطرح شدن حکمرانی به شیوه اسلام، موضوعات مهمی برای حوزه اولویت یافته که در گذشته مطرح نبوده است؛ مسئله‌هایی از قبیل اولویت دولت با مردم‌ش و با دولت‌ها و ملت‌های دیگر، موضوع متن‌خوانی است. کتاب درسی باید حاوی مطلب و زبان مناسب طلیه برای دوران محدود پیش از ورود به مرحله تحقیق باشد. تلاش موفق با افزودن بزرگانی همچون نوزاد خراسانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج سید صدالدین صدر برای جایگزین کردن

کلامی نیز می‌باشد که در جای خود باید بحث شوند.
در شیوه کار کنونی حوزه، در بخش فقهی، توجّه‌فانی به این اولویت‌ها دیده‌نمی‌شود. گاه‌می‌بینیم برخی مهارت‌های علمی که عموماً جنبه الی و مقدّماتی برای رسیدن به حکم شرع را دارد؛ با بعضی موضوعات فقهی یا اصولی خارج از اولویت‌ها فقهی و محقق را با سبب‌نویس و سبب‌انگیز خود، چنان در خود غرق می‌کند که ذهن او را بیه‌الای آن مسائل اصلی و اولویت‌ها در مصرف می‌سازد و فرصت‌های جایگزین را به‌ویژه‌های انسانی و مالی، ارفاد می‌کند؛ بی‌آنکه در انقضای هجوم فکر، کمکی به تبیین سبک زندگی اسلامی و هدایت جامعه برساند.

اگر هدف کار علمی، اظهار عزم و شمع‌علمی و فاضل در فاضل نما شدن باشد، مصادق فعل مادی و دنیا گرایانه و «بِأَعْدَائِهِمْ قُوه» خواهد بود.

دوّم تربیت نیروی مهذب و کارآمد

حوزه نهادی بی‌رونگار است. خروجی حوزه در همه سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان‌ها است. حوزه موظف به «بلاغ مبیین» است. دامنه این بلاغ، گستره‌ای تعلیم‌آ را می‌عارف و الای توحیدی و تا وظایف شخصی شرعی، و از تبیین نظام اسلامی و شاکله و وظایف آن تا سبک زندگی و محیط زیست و حمایت از طبیعت و از حیوان، و بسی عرصه‌ها و زوایای دیگر حیات بشری.

حوزه‌های علمیه از دیرباز به این وظیفه سنگین پرداخته و کسان بسیاری از متخّرچان آن‌ها در سطوح مختلف علمی به شیوه‌های گوناگون تبلیغ دین روی آورده و عمری در آن گذرانده‌اند. این انقلاب، نهادهایی برای نظم‌بخشیدن و احیای افراد و دان‌به محتوای این حرکت‌های تبلیغی در حوزه پدیدآمد. خدمات بارزشان آنان و دیگر متخّرچان (۵) امر تبلیغ دین نباید نادیده گرفته شود.

آنچه مهم‌است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده‌های تبلیغی با واقعیت‌های فکری و فرهنگی در میان مردم به‌ویژه جوانان است. در این بخش حوزه دچار مشکل است. این صدها مقاله و مجله و گفتارهای مجلسی و تلویزیونی و امثال آن، در برابر سبیل القاتات مغالطه‌آمیز نمی‌توانند وظیفه بلاغ مبیین ارجحان که نیاز و نیازمندیست، به انجام رساند.

جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهدید» و رساندن پیامی که به‌رور پُرکرندند، خلأ برآورنده هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاهی باید متصدی این کار باشد و در خدمت قدرت افقاع، آشنایی با شیوه گفت‌وگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای و مجاری، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه پیاموز و با تمرین و ممارست، در دوره‌ای محدود، او را آماده ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه‌ترین و شایع‌ترین القاتات و با تفکر و اخلاقی را گردآوری و بهترین و رساترین و قوی‌ترین پاسخ را در قالب



پیام رهبر معظم انقلاب به همایش بین المللی یک صدمین سال گشت باز تأسیس حوزه علمیه قم

منشور جامع حوزه

ادبیات متناسب با زمان برای آن فراهم کند، و از سوی دیگر لازم‌ترین دانستن‌های دینی متناسب با وضع فرهنگی فکری روز را به صورت بسته‌های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده‌ها تدوین نماید. این مجموعه، شکلی و محتوایی، مهم‌ترین موضوع تعلیم در این بخش است.

در کار تبلیغ، موضع ایجابی و حتی تهجایی، از موضع دفاعی مهم‌تر است. آنچه در باره دفع و رفع شبهه‌ها و القاتات گفته شد، نباید دستگاه تبلیغ را از انجام به‌مسلمات فرهنگ انحرافی رایج در جهان و احیاناً در کشور ما، به غفلت بکشاند. فرهنگ تحمیلی و القائی غرب، با سرعتی روزافزون، روبه‌گش‌ر و ارتباط طاست است؛ حوزه فلسفه دان و متفکلم، به دفاع در برابر شبهه انگیزی پسند نمی‌کند بلکه در قبال این گش‌ر و علمای بزرگ ایران؛ قرارداد وثوق الذّوله یا افشاگری مدّتی؛ مبارزه با سبوسجات خارجی با ابتکار اخلاقی اصفهانی و همراهی علمای اصفهان و پشتیبانی علمای نجف؛ و مواردی دیگر.

در همان سال‌های مقارن با تشکیل حوزه قم، بخش‌هایی از عراق و مرزهای ایران، با مرکزیت نجف و کوفه، صحنه جنگ مسلحانه علمای قوی‌الشانرا انگلیس بود؛ نه تنها طلب‌آ و مدرّسین، که برخی علمای معروف همچون سید مصطفی کاشانی و بعضی فرزندان مراجع در این دیرگی‌ها شرکت داشتند، که برخی شهید و بسیاری پس از آن به نفاط دور دست مستعمرات انگلیس تبعید شدند.

فعلانیت مراجع بزرگ در مسئله فلسطین نیز-چه در اوایل قرن که سیاست کوه و تسلیح صهیونیست‌ها در فلسطین اجرا می‌شد، و چه در دهه سوّم آن که بخش مهم فلسطین رسماً به صهیونی‌ها سپرده و دولت جعلی صهیونی اعلام شد- باز بخشی‌های افتخارآمیز حوزه‌های علمیه است. نامه‌ها و بیانیه‌های آنان در این باره، در شمار ارزشمندترین اسناد تاریخی است.

نقش بی‌بدیل حوزه قم و سپس دیگر حوزه‌های علمیه در ایران را چنان‌که نهضت اسلامی و برپا کردن انقلاب و توجیه افکار عمومی و به میدان آوردن عموم مردم نیز از برجسته‌ترین نشانه‌های هویت جهادی حوزه‌های علمیه است. تحصیل درگاهان حوزه با ذهن‌های فغال و زبان‌های گویا از نخستین کسانی بودند که به‌غریو دشمن‌شکن آنان مجاهد پاسخ گفته و با سرعت و جدّیت و همراه با تاحتمل صدمات، وارد میدان شده و به گسترش مفاهیم انقلابی و توجیه افکار عمومی پرداختند.

این دغدغه ناشی از تزویج جریان خطرناکی است که دخالت حوزه در مسائل اساسی مردم و ورود در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزه آن با ظلم و فساد را منافی با قدسیت دین و حریم معنوی آن وانمود می‌کند و روحانیت را به سلب کل بودن و دوری کردن از مخاطرات ورود در سیاست سفارش می‌کند.

ترویج این توهم‌ها بابل، بزرگ‌ترین هدیه به عوامل استعمار و استکبار است که همواره از حضور و ورود علمی دین در معرکه مبارزه با آنان زیان دیده و در موارد متعدد شکست خورده‌اند؛ و بزرگ‌ترین هدیه به عوامل نظام فاسد و فاسق و مزدوری است که با حرکت ملت ایران به رهبری یک مرجع تقلید، ریشه‌کن و از‌آله شد.

قدسیت دین بیش از همه جا در میدان‌های جهاد فکری و سیاسی و نظامی نمود می‌کند و با یاد آوری و جهاد حاملان معارف دین و و نثار خون یا کاتان‌آ تبیین می‌شود. قدسیت دین را در سیره پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باید دید که در هنگام ورود به یثرب اولین اقدامش تشکیل حکومت و تنظیم نیروی نظامی و یکپارچه کردن عرصه سیاست و عبادت و مرجع بود.

حوزه علمیه برای حفاظت از اعتبار معنوی و وفاداری به فلسفه وجودی‌اش باید از مردم و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی

کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

بی‌شک هر یک از این نظام‌ها متکی بر یک پایه فکری، چه برآمده از ذهن متفکران و صاحب‌نظران، و جامعه و مسائل اساسی آن هرگز جدا نشود و جهاد را در همه گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه قطعی خود بداند.

این همان سخن مهمی است که امام بزرگوار ایران‌میل‌چون‌به‌پیشکش‌ها و بزرگان و به گونه ویژه با طلب و فضایی جوان آن در میان گذاشته و بر آن تأکید کرده‌اند.

چهار مرکز مشارکت در تولید و تبیین نظامات اجتماعی
کشورها و جوامع بشری در همه شئون اجتماعی خود با نظامات مشخصی اداره می‌شوند؛ شکل حکومت، شیوه حکمرانی، استبداد، مشورت (... و نظام قضائی داوری در اختلافات و تعلقات و موضوعات حقوقی یا جزائی، نظام اقتصادی و مالی و مسئله پول و غیره، نظام اداری، نظام کسب و کار، نظام خانواده، و دیگرها و دیگرها، همه در شمار شئون اجتماعی کشورند که در جوامع عالم به شیوه‌های گوناگون و در قالب نظام‌های گوناگون اداره می‌شوند.

سال چهارم
روز پنجشنبه
۱۱۱۲۹
شماره ۱۱۱۲۹

دیگران با ظلم، بادروغ، با ایجاد زده‌های طبقاتی، با زورگویی شروع شد و به تدریج فساد و انحراف از مبانی اخلاقی و تحقّق‌های جنسی نبردن را راه یافت و رشد کرد.

امروز نمونه‌های آشکار و کامل شده این بنای کج‌پهن‌دار در کشورهای غربی و دنباله‌روان آن‌ها می‌بینیم: فقه‌های ثروت در کنار زده‌های فقر و رنگسنگی؛ زورگویی شیفتگان قدرت به هر آن کس که بتواند آن‌ها را از گرفتار کاریگری علم برای کشورهای عمومی؛ کشاندن فساد جنسی به داخل خانواده‌ها و تا کودکان و نوجوانان؛ ظلم و قساوت بی‌نظیر در نمونه‌هایی همچون غزه و فلسطین؛ تهدید به جنگ به خاطر دخالت در امور دیگران در نمونه‌هایی مانند رفتار دولتمردان آمریکادر دوران‌های اخیر.

بدیهی است که این تمدّن باطل رفتنی است و ازآله خواهد شد؛ این، سنت حتمی آفرینش است؛ «وَالْأَبْطَالُ كَانُوا هَوَاقِفًا»، «فَأَمَّا الْكِرْكُذَةُ فَبُغْثٌ جَفَاءٌ»، وظیفه امروز ما لّا کمک به ابطال این باطل و تأتیا تدارک تمدّن جایگزین در نظر گرفتن به قدر توانایی است. اینکه بگویند: «دیگران نتوانستند، پس ما هم نمی‌توانیم»، مغالطه است. دیگران هر جا با ایمان و با محاسبه و با استقامت حرکت کردند، توانستند پیروز شوند. نمونه واضح و بیش‌چشم‌ماه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی.

در این مبارزه آسیب‌ها و ضربه‌ها و درها و فقدان‌هایی هست که دفاع مقدّس هشت ساله ما هم در برابر ائتلاف جهانی قدرتمندان ظالم و دروغ‌نمونه‌ای دیگر است. حوزه بزرگ و کارآمد امروز قم هم که در آغاز با آن محنت‌ها روبه‌رو بود، نمونه جلوی چشم ما است؛ و از این نمونه‌ها فراوان می‌توان یافت.

حوزه علمیه در این بخش وظیفه‌ای ارزشمند بر دوش دارد، و آن در درجه اوّل، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدّن نوین اسلامی است، و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است. این از جمله برترین مصادیق «بلاغ مبیین» است.

در باب ترسیم شاکله تمدّن اسلامی، فقه به نوعی، و علمای عوام به نوعی نقش دارند. فلسفه اسلامی که باید از مسائل اصلی خود، امتداد اجتماعی ترسیم کند. فقه ما هم با گسترش میدان دید و ناواری در دسترس، مسائل نوپدید پیش‌بینی‌شدنی را احشاء و احکام آن را معین نمایند. یارده روشن امام بزرگوار در قضاوت و روشن آن در حوزه علمیه راه‌گشا است. در این بیان، شیوه استنباط همان روش فقه سنتی به تعبیر ایشان، اجتهدا جوهری است؛ با این حال، «ایمان» و «مکان» دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهداند. کتب موضوعی در گذشته حکمی داشته ولی با تغییر روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد، اکنون حکم جدیدی یافته باشد. این تغییر حکم ناشی از آن‌است که موضوع هر چند در ظاهر همان موضوع قبلی است ولی با توجّه به تغییر روابط سیاسی و اجتماعی غیره، در واقع تغییر کرده و موضوع جدیدی شده است؛ پس حکم جدیدی می‌طلبد.

افزون بر این، حوادث بی‌دری جهانی و پیشرفت‌های علمی و غیره در مواردی که این‌ها نقشه‌ها را در یک مبدن را کتاب‌دوست، به‌همراه تازه‌ای رساند و بحث شرعی برای تغییر حکم شود، همچنان که در تبدّل رأی می‌جهدان غالباً اتفاق می‌افتد، در هر حال، فقه باید قوه بماند و تفهیمی تبدیل به ناخالص‌شان شریعت نمود.

در باب تعریف و تبیین نظامات حوزه علمیه و محتوای عمیق آن به آنچه گفته شد بسنده نمی‌گم و سخنی کوتاه دربارهٔ حوزه قم که اکنون به مسأله‌ای رسیده است می‌گویم. حوزه قم امروز حوزه‌ای زنده و پابنده است؛ حضور هزاران مدرّس و مؤلّف و محقق و پژوهش‌ده و گوینده و متفکر در معارف اسلامی و انتشار مجلات علمی و تحقیقی و نگارش مقالات تخصصی و عمومی، مجموعه‌ای تری‌گرایی برای امروز جامعه و ظرفیت تعلیمی برای فردای کشور و تاه به شمار می‌آید.

روح درس‌های تفسیر و اخلاق و افزایش مراکز آموزش و معارفی، نقشه‌قوت‌ورجسته‌ای است که حوزه پیش از انقلاب با آن دسترسی به تعالیّت حوزه قم هرگز این تعداد طلب و فضایی صاحب‌فکر به خود ندیده‌بود. حضور قلم در همه میدان‌های انقلاب و حتی در میدان نظامی و تقدیم شهدای رانقندر، درون افق مقدّس و پیش‌وایس از آن، افتخارات بزرگ در حوزه و در شمار حسنات بی‌شمار امام‌هاست. است. دانشوران از هر عرصه تبلیغات علمی، و تربیت هزاران طالب علم از ملت‌های گوناگون و حضور و دانش‌آموختگان آن در بسیاری از کشورهای بزرگ و بی‌سابقه دیگری است که باید از آن تقدیر کرد.